

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبد اللطیف صدیقی للندری

شب وصل

منزل و مأوی من آن جانان جانانه بود
تا ابد گنجینه ای اندر دلم جا کرده است
گوشه گیری کی کنم از کنج میخانه گهی
محفل عیش است نوشیدم قدحها را ز شوق
مسکن رندان و مستان کنج میخانه بود
زانکه گنج عشق وی در قلب ویرانه بود
شور و مستیهای ما از جام و پیمانه بود
تادل پردرد ما سر مست و مستانه بود
جز خیال روی او در سر میر نقش دگر
شور در میخانه ها هر روز افزون میکنم
چونکه دایم یار با مستان رندانه بود

در شب وصلش بگفتم عاشقت باشد لطیف

گفت عشق و عاشقی یک فصل افسانه بود

(کانادا - ۲۶ می ۲۰۱۰)